

از اورشلیم تا بابل



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم پادشاهان ۲۱: ۱۰ تا ۱۶: ۱؛ دانیال ۱: ۱؛ غلاطیان ۲: ۱۹، ۲۰؛ متی ۱۶: ۲۴ تا ۲۶؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۵.

آیه حفظی: «خدا به این چهار مرد جوان، حکمت کلام و علم فلسفه بخشید. علاوه بر اینها او به دانیال، علم تعبیر خواب و رؤیا نیز بخشید» (دانیال ۱: ۱۷).

کتاب مقدس از نشان دادن ضعف های انسان سقوط کرده در گناه، طفره نمی رود. از پیدایش باب ۳ به بعد، گناه انسان و عواقب غم انگیز آن به طور برجسته ای نشان داده شده است. در عین حال، ما نیز شاهد برخی از افراد هستیم که وفاداری عظیم خود را نسبت به خدا نشان می دهند، حتی زمانی که با انگیزه هایی قوی برای وفادار بودن، مواجه نبوده اند. و برخی از بزرگترین نمونه های قوی چنین وفاداری در کتاب دانیال دیده می شوند.

با این حال، همانطور که کتاب دانیال را مطالعه می کنیم، باید به یاد داشته باشیم که قهرمان واقعی این کتاب، خداست. ما آنقدر به داستان هایی که به وفاداری دانیال و دوستانش تاکید می کنند، عادت کرده ایم که ممکن است فراموش کنیم که وفاداری آن کسی که این چهار مرد جوان را هدایت و پشتیبانی کرد تا با قدرت و تطمیع امپراتوری بابل مقابله کنند، را تمجید کنیم. وفاداری در وطن به اندازه کافی خود یک چالش به حساب می آید، چه رسد به این که تحت فشار فرهنگ و مذهب یک سرزمین بیگانه باشید. اما این بازیگران بشری با چالش هایی مواجه می شوند، زیرا همچون پولس رسول آنها «می دانند به چه کسی ایمان دارند» (دوم تیموتاؤس ۱: ۱۲)، و اعتماد آنها به اوست.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ دی - ۱۱ January آماده شوید.

حاکمیت خداوند

در یک نگاه، کتاب دانیال با یک پیش در آمد محزون شکست شروع می‌شود. یهودا تسلیم نبوکدنصر شد و ظروف معبد از اورشلیم به سرزمین شنعار برده شد. کلمه « شنعار » در کتاب مقدس در پیدایش باب ۱۱: ۲ به عنوان محل برج بابل آمده است. شنعار نشانه ای شوم و بدیمن است، همانطور که اظهار می‌کند، این کلمه ریشه در مبارزه طلبی با خداوند دارد. با اینکه سازندگان بابل در تلاش برای رسیدن به آسمان‌ها شکست خوردند، ظواهر بیرونی اشاره دارند که نبوکدنصر و خدایانش - که در سرزمین شنعار قرار داشتند - به جای این که متعهد به عهد خدای اسرائیل باشند، ولی آن را خوار و پامال کرده بودند. با این حال، خطوط ابتدایی و شروع کتاب دانیال این مسئله را روشن می‌سازد که شکست اورشلیم در اثر قدرت برتر پادشاه بابلیان نبود و به جای آن، علت اتفاق را در این می‌داند که « خداوند، یهوایقیم پادشاه یهودا را با بعضی از ظروف خانه خدا به دست او تسلیم نمود » (دانیال ۱: ۲). از خیلی قبل، خدا اعلام می‌کند که امتش باید او را به فراموشی بسپارند و پیمان شکنی کنند، تا او آنها را به عنوان اسیران به یک سرزمین بیگانه بفرستد. بنابراین، دانیال می‌داند که در پس و ماورای قدرت نظامی بابل، خدای آسمان قرار دارد که مسیر حرکت تاریخ را رهبری می‌کند. این دیدگاه روشن و واضحی از حاکمیت خداست، که آن مردان جوان را تقویت و حمایت کرد و به آنان قدرت و شجاعت بخشید تا با وسوسه و فشار امپراتوری بابل مواجهه کنند.

دوم پادشاهان ۲۱: ۱۰ تا ۱۶، دوم پادشاهان ۲۴: ۱۸ تا ۲۰، و ارمیا ۳: ۱۳ را بخوانید. چرا خداوند یهودا و اورشلیم را به دستان بابلی‌ها تسلیم می‌کند؟

همانطور که با چالش‌های قرن بیست و یکم مواجه هستیم، باید به بینشی دوباره از درک خود نسبت به خداوند نائل آئیم که این به وضوح در کتاب دانیال منعکس گردیده است. برطبق این کتاب، خدا، کسی که ما او را ستایش می‌کنیم، نه تنها تمام نیروها و قدرتهای تاریخ را از طریق حاکمیت خود رهبری می‌کند، بلکه همچنین در زندگی مردم خود در مواقع ضروری برای کمک به آنها مداخله می‌کند. و همانطور که بعداً خواهیم دید، آنچه خداوند برای اسیران یهود انجام داده، او برای امت خویش در زمان آخر نیز صرف نظر از همه حملات مختلف به آنها و به ایمانشان انجام خواهد داد.

برخی از چالشهایی که ایمان شما در حال حاضر با آن روبروست، چه از منابع بیرونی و چه از طریق کلیسا، و یا از ضعفهای شخصیتی خود شما، چه

هستند؟ چگونه می‌توانید یاد بگیرید که با تکیه به قدرت خداوند می‌توانید بر آنچه در مقابل شما قرار می‌گیرد غلبه کنید؟

۱۶ دی

دوشنبه

ایمان تحت فشار

دانیال باب ۱ را بخوانید. این مردان جوان برای تمکین و سر تسلیم فرود آوردن با چه فشارهایی روبرو بودند؟

پس از ورود به بابل، این چهار مرد جوان مجبور بودند با بزرگترین چالش‌های مهم و جدی که ایمان و اعتقادات آنان را هدف قرار می‌داد، روبرو باشند: آنها برگزیده شدند تا تحت آموزش‌های مخصوص به خدمت پادشاه در آیند. پادشاهان باستان اغلب برخی از بهترین اسیران خود را برای خدمت در کاخ سلطنتی به خدمت می‌گرفتند، و بدین ترتیب وفاداری آنان به سوی پادشاهان و خدایان امپراتوری که آنها را به اسارت گرفته بود، تغییر جهت می‌داد. در واقع، کل فرآیند مقرر شده بود تا با نوعی تحول در تعلیم و تربیت بتواند منجر به تغییر جهان بینی آنان بشود. به عنوان بخشی از این فرآیند، نام اسیران یهودی را تغییر دادند. نام جدید، علامت تغییر در مالکیت و سرنوشت است. بنابراین با تغییر نام اسیران، بابلیان قصد داشتند تا قدرت خود را بر آنان ثابت کنند، و آنان را مجبور سازند تا جذب ارزش‌ها و فرهنگ بابلیان شوند. اسامی اصلی آنان که به خدای اسرائیل اشاره داشت، با نام‌هایی که به خدایان بیگانه ارج می‌نهاد، جایگزین شدند. علاوه بر این، پادشاه مقرر می‌کرد تا مردان جوان باید از غذای پادشاه استفاده کنند. خوردن غذای پادشاه در روزگار باستان، مفهومی عمیق داشت. این به معنای وفاداری اجتناب‌ناپذیر از پادشاه و تبعیت و وابستگی کامل به او بود. و همانطور که معمولاً خوراک به خدا یا خدایان امپراتوری پیشکش می‌شد، خوردن هم یک مفهوم عمیق مذهبی داشت. بدیهی است که به معنای پذیرفتن و مشارکت در نظام ستایش پادشاه به حساب می‌آمد.

بنابراین، دانیال و یارانش خود را در شرایط چالش‌برانگیزی یافتند. برای آنان حفظ وفاداری به خداوند و زنده ماندن تحت مطالبات و خواسته‌های نظام امپراتوری، چیزی کمتر از یک معجزه نبود. علاوه بر مسایل پیچیده، شهر بابل خود نیز به عنوان نمایش یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین دستاوردهای انسانی به حساب می‌آمد. زیبایی معماری معابد بابلیان، باغ‌های معلق و جاری بودن رودخانه فرات در سراسر شهر، تصویری از توانایی و شکوه غیرقابل وصف این شهر را به نمایش می‌گذارد. بنابراین، به دانیال و دوستانش فرصتی برای ارتقا و فرصتی برای لذت بردن از مزایا و رفاه با همکاری در این

حاکمیت داده شد. آنها می توانستند دیگر به عنوان اسیران یهودی نباشند و مبدل به وزراء سلطنتی شوند. آیا آنها اصول و مرام خود را در جهت رفتن به مسیر سهل و آسان عزت و جلال، به خطر بیندازند؟

به چه روش‌هایی این پسران توانستند تصمیمی عاقلانه برای سازش در برابر اعتقاداتشان اتخاذ کنند؟ به چه شیوه‌هایی امکان دارد شما هم اکنون با مسئله مشابهی برخورد کنید، اگر هوشیارانه مبارزه کنید؟

دی ۱۷

سه شنبه

عزمی راسخ

دانیال ۱: ۷ تا ۲۰ را بخوانید. ما در اینجا دو عامل را می بینیم که کارساز هستند: آزادی اختیار دانیال و مداخله خداوند. چه اصل مهمی در اینجا وجود دارد؟

ظاهراً به نظر می رسد چهار اسیر یهودی با تغییر نام های بابلی خود مخالفت نداشتند. به احتمال زیاد در این خصوص هیچ کاری از دست آنها ساخته نیست، به غیر از اینکه نام های عبری خود را فقط در میان خود استفاده کنند. اما در مورد خوراک و نوشیدنی از سفره پادشاه، این مسلم است که در مورد مصرف و یا پرهیز از آن اختیار داشتند. بنابراین، انتخاب آزاد این چهار مرد در اینجا بسیار مهم است. بهر حال، اگر یک مأمور دربار می تواند نام ها را عوض کند، او می تواند منوی غذا را هم تغییر دهد. احتمالاً، دو دلیل وجود دارد که این چهار مرد نمی خواهند از خوراک سفره پادشاه بخورند.

اول، وعده های غذایی از سفره غذای پادشاه ممکن است حاوی گوشت های ناپاک (حرام) بوده باشند (لاویان ۱۱). دوم، ابتدا خوراک به بت ها پیشکش می شد و سپس برای پادشاه برای مصرف فرستاده می شد. بنابراین، هنگامیکه دانیال بدون متوسل شدن به عذر و بهانه و یا فریبکاری روشن می سازد که درخواست او انگیزه مذهبی دارد، یعنی خوراک کاخ، او و دوستانش را ناپاک خواهد ساخت (دانیال ۱: ۸)، او از دل و جرأت بالائی برخوردار بود.

همانطور که ما به تعامل بین دانیال و وزیر دربار کاخ نگاه می کنیم، در اینجا چند نکته مهم و برجسته وجود دارد. اول، به نظر می رسد که دانیال موقعیت دشوار وزیر دربار را درک می کند، بنابراین به او یک آزمایش را پیشنهاد می کند. ده روز مصرف خوراک های جایگزین دربار، باید برای نشان دادن منفعت و مزایای رژیم غذایی و در نتیجه از بین بردن نگرانی و ترس وزیر دربار باشد. دوم، اطمینان دانیال مبنی بر این که نتیجه در چنین مدت کوتاهی

مثبت خواهد بود، از اعتماد مطلق او به خدا سرچشمه می‌گیرد. سوم، انتخاب یک رژیم غذایی از سبزیجات و آب اشاره به مواد غذایی دارد که خداوند در ابتدای خلقت به بشریت داده است (پیدایش ۱: ۲۹)، حقیقتی که شاید در انتخاب دانیال تاثیرگذار بوده است. بالاخره، چه چیزی می‌تواند بهتر از رژیم غذایی باشد که خدا در ابتدا به ما داده است؟

چه چیزی درمورد انتخاب آزادانه دانیال بسیار مهم است که راه را برای انجام کار خدا باز می‌کند؟ (دانیال ۱: ۹) چه درس‌های را می‌توانیم از این مطلب درمورد اهمیت انتخاب‌های خودمان بیاموزیم؟ چگونه باید اعتماد ما به خدا بر روی انتخابهای ما تاثیر بگذارد؟

چهارشنبه

۱۸ دی

بدون نقص و خردمند

دانیال و همراهانش برای خدمت در دربار سلطنتی انتخاب شدند زیرا که آنها دارای مشخصاتی بودند که نبوکدنصر در نظر داشت. بر اساس فرمان پادشاه، وزیران دربار باید از میان افراد «بدون نقص» و «خوش منظر» (دانیال ۱: ۴) انتخاب می‌شدند. جالب توجه است، قربانی‌ها و افرادی که برای مراسم معبد مقدس بودند نیز باید بدون نقص (لاویان ۲۲: ۱۷ تا ۲۵، لاویان ۲۱: ۱۶ تا ۲۴) می‌بودند. به نظر می‌رسد پادشاه بابل برای مقایسه کردن خود با خدای اسرائیل، خواستار چنین صلاحیت‌های مشابهی برای کسانی بود که در دربار او کار می‌کردند. از سوی دیگر، چنین ویژگی‌هایی ممکن است بطور اتفاقی گویای این مطلب باشد که دانیال و یارانش قربانی‌های زنده‌ای برای خداوند بودند در حینی که با چالش‌هایی امپراتوری بابل مواجه بودند.

غلاطیان باب ۲: ۱۹، ۲۰؛ متی ۱۶: ۲۴ تا ۲۶؛ و دوم قرن‌تینان ۴: ۱۷ را بخوانید. این آیات درباره اینکه چگونه می‌توانیم با وجود هر نوع وسوسه ایدر ایمان باقی بمانیم، چه می‌آموزند؟

خداوند وفاداری چهار اسیر یهودی را محترم شمرد، و به نظر می‌رسد که در پایان مدت ده روزه آزمایش آنان از تغذیه سالم‌تر و بهتری نسبت به دیگر جوانان که از خوراک سر میز سلطنتی خورده بودند، بر خوردار بوده‌اند. بنابراین خدا چهار خدمتگزار خود «را چنان درک و فهمی بخشید که ایشان توانستند تمام علوم و حکمت آن زمان را بیاموزند. از این گذشته او به دانیال توانایی تعبیر خوابها و رؤیایها را نیز عطا فرمود» (دانیال ۱: ۱۷). این عطیه، نقش مهمی در رسالت دانیال نبی بازی خواهد کرد.

درست همانطور که خدا ایمان بندگان خویش را در دربار بابلیان محترم شمرد، به ما هم همانطور که با چالشهای جهان روبرو میشویم، خرد و حکمت می بخشد. ما از تجربه دانیال و یارانش یاد می گیریم که این واقعیت وجود دارد که می توان نسبت به عناصر فاسد جامعه خودمان بدون توجه باقی ماند. ما همچنین یاد می گیریم که نیازی نداریم تا خودمان را از جامعه و زندگی فرهنگی به منظور خدمت به خدا جدا کنیم. دانیال و یارانش نه تنها در میان فرهنگ بنا شده از دروغ و اشتباه و اسطوره ها زندگی کردند، بلکه با آن دروغها، اشتباهات و افسانه ها تعلیم داده شدند. و با این حال ایمان خود را از دست ندادند و وفادار باقی ماندند.

مهم نیست ما در کجا زندگی می کنیم، ما مجبور هستیم با چالشهای وفادار ماندن نسبت به آنچه که معتقد هستیم، مواجه شویم و در برابر تأثیرات فرهنگی و اجتماعی که با اعتقادات ما مخالف هستند، قرار بگیریم. تأثیرات منفی در فرهنگ خودتان را شناسائی کنید و از خودتان بپرسید: من چقدر از آنها را نادیده می گیرم؟

۱۹ دی

پنجشنبه

آزمون نهایی

دانیال باب ۱: ۱۷ تا ۲۱ را بخوانید. کلید موفقیت چهار مرد چه بود؟ (همچنین نگاه کنید به ایوب ۳۸: ۳۶، امثال ۲: ۶ و یعقوب ۱: ۵).

پس از سه سال آموزش در «مکتب بابلیان» چهار مرد یهودی برای امتحان نهایی به حضور پادشاه آورده شدند. آنها نه تنها سالم تر از دیگر جوانان بودند، بلکه در حکمت و دانایی هم برتر از آنان بودند. چهار نفر بلافاصله به خدمت شاه آمدند. ما نباید فراموش کنیم که این «دانش و حکمت» بدون شک باید شامل بسیاری از اطلاعات و دانش الحاد هم باشد. با این حال، آنها آن را فرا گرفتند و بدیهی است که آنها آن را بسیار خوب هم یاد گرفتند، حتی اگر آنها را باور نداشتند.

نبوکدنصر ممکن است فکر کند که چنین پیشرفت هایی می توانسته دستخوش رژیم غذایی دربار و برنامه آموزشی چهار جوان بوده باشد. با این حال، دانیال و یارانش می دانند، و روایت به وضوح نشان می دهد که عملکرد برتر آنان ربطی به نظام بابلیان ندارد. همه چیز از طرف خداوند بود. چه نمونه قدرتمندی از آنچه که خدا می تواند برای کسانی که به او اعتماد دارند انجام دهد. ما نباید از قدرت منکوب کننده رسانه

ها، دولت ها، و سایر نهادها بترسیم که مبدا هویت ما را به عنوان فرزندان خدا تهدید به نابودی کنند. همانطور که ما به خدا اعتماد می‌کنیم، می‌توانیم مطمئن باشیم که او می‌تواند ما را در لحظات دشوار زندگی حفظ کند و ما را در برابر همه نابرابریها و بی‌عدالتی‌ها محافظت نماید. و این کلید راهنمای ما در انتخاب درست و مناسب می‌باشد، در زمانی که ایمان ما با چالش‌ها مواجه هست.

با نگاه به دانیال باب ۱، برخی از دروس مهم درباره خدا را یاد می‌گیریم: (۱) خداوند تاریخ را کنترل می‌کند. (۲) خدا به ما حکمت می‌دهد که بتوانیم کنترل محیط خصمانه فرهنگ و جامعه خودمان را بدست بگیریم. (۳) خدا کسانی که از طریق اعتقادات و شیوه زندگی شان به او اعتماد کنند محترم می‌شمارد.

این باب با اشاره به این مسئله که «دانیال تا سال اول شاهنشاهی کورش کبیر در خدمت دربار بابل بود» (دانیال ۱: ۲۱) به پایان می‌رسد. اشاره به کورش در اینجا قابل توجه است: این نگاهی از امید را در اثنای دوران تبعید ایجاد می‌کند. کورش یکی از کسانی است که بوسیله خدا انتخاب می‌شود تا قوم او را آزاد کند و به آنها اجازه بدهد تا به اورشلیم برگردند. اگرچه باب با موضوع شکست و تبعید شروع می‌شود، با یک نگاهی از امید و بازگشت به خانه به پایان می‌رسد. این خدای ماست: حتی در میان سخت‌ترین لحظات زندگی ما، او همیشه پنجره‌ای از امید را باز می‌کند تا بتوانیم شکوه و شادی را ببینیم که بعد از درد و رنج است.

جمعه

۲۰ دی

اندیشه ای فراتر: «دانیال و یارانش که در دوران جوانیشان در بابل بودند، ظاهراً بیشتر از یوسف در اوان سال‌های جوانیش در مصر خوش طالع تر و خوشبخت‌تر بودند؛ بهر حال آنها مواجه با آزمایش‌های شخصیتی با شدت کمتر بودند. از نظر مقایسه سادگی خانه یهودیشان، این جوانان از طبقه سلطنتی به بزرگترین شهر و به دربار بزرگترین پادشاه آورده شده بودند و برای خدمت ویژه به پادشاه انتخاب شده بودند. شدت وسوسه‌هایی که آنها را در کاخ فاسد و لوکس شاه احاطه کرده بود، زیاد بود. و این واقعیت‌ها وجود داشت: اینکه آنها عبادت‌کنندگان یهوه، اسیران بابلی بودند؛ اینکه ظروف و وسایل خانه خدا در معبد خدایان بابل قرار گرفته بود؛ اینکه پادشاه اسرائیل در دست خدایان بابلیان زندانی بود؛ این چیزها افتخار فاتحان بود تا به عنوان مدرک آنها را ذکر کنند و ادعا کنند که دین و آداب و رسوم آنها نسبت به دین و آداب و رسوم یهودیان برتری دارد. در چنین شرایطی که اسرائیل به خاطر خروجش از فرامین خدا تحقیرهای زیادی را برای خود طلبید، خداوند به بابلیان شواهدی از برتری خود، قدوسیت احکام خود و نتیجه مطمئن اطاعت را داد. و او این شهادت را داد که این تنها می‌تواند به کسانی داده شود که هنوز به وفاداری خود نسبت به او متعهد بمانند.» *الِن جی وایت، تعلیم و تربیت، صفحه ۵۴.*

سؤالاتی برای بحث

۱. در کلاس دربارهٔ چالشهای مختلف فرهنگی و اجتماعی که شما به عنوان مسیحیان در جامعه خود با آن روبرو هستید، صحبت کنید. آنها چه هستند و کلیسا به عنوان یک مجموعه چگونه می تواند با آنها برخورد کند؟

۲. درباره اینکه چقدر دانیال و یارانش به راحتی ایمان خود را به خطر انداختند فکر کنید. بالاخره، بابلیان فاتحان بودند، و یهودیان شکست خوردگان بودند، چه «برهان» بیشتری نیاز بود تا ثابت شود «خدای» بابلیان بزرگتر از خدای اسرائیل است، تا در نتیجه دانیال و همراهانش این واقعیت را قبول کنند؟ در این مورد، چه حقایق مهم کتاب مقدس توانست به آنها کمک کند تا با تکیه بر آنها در طول آن دوران داوم بیاورند؟

۳. چرا تعهد و وفاداری بسیار مهم است، نه تنها برای خودمان، بلکه برای کسانی که ایمان ما گواه شخصیت خداوند است یعنی کسی که ما او را خدمت می کنیم؟